

اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای مدیریت در حکومت علوی با تحلیل محتوای نامه‌های امام‌های علی علیه السلام به معاویه

* سید حمیدرضا میرعظیمی

** مهدی جامعی

*** فرشته محمدی

چکیده

توجه به جایگاه امام علی به عنوان حاکم اسلامی و جایگاه اخلاقی ایشان به عنوان امام تربیت یافته در دامان پیامبر، بررسی جایگاه اخلاق در حکومت علوی را تقویت می‌نماید. تحلیل محتوا روشی است که این اثر به کار بسته و نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه را به منظور استخراج اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای در مدیریت علوی، مورد تحلیل قرار داده است. اصول پاسخگویی، هوشمندی، یقین کامل، ضابطه‌مندی، مصلحت‌سنجی و شخصیت پایدار از این گزاره‌ها استخراج گردیده است. حجم غالب گزاره‌های اخلاقی، ناظر به کار بست اصول راهبردی پاسخگویی و هوشمندی است که هر کدام با فراوانی ۲۵٪ بیشترین بسامد را داشته‌اند. آمار بالای گزاره‌های اخلاقی این نامه‌ها، گویای محوریت اخلاق در حکومت علوی و مواجهه ایشان با مخالفان است. همچنین، برآیند تحلیل کیفی گزاره‌های اخلاقی، ارائه تصویری از یک حکومت، ضابطه‌مند، پیش‌بینی‌پذیر و اخلاق‌محور است که حتی در مواجهه با معاویه، از اصول اخلاقی و مدیریتی خویش تخطی نمی‌کند.

واژگان کلیدی

تحلیل محتوا، حکومت علوی، راهبرد، اخلاق حرفه‌ای.

hmirazimi@ut.ac.ir

*. استادیار گروه اخلاق دانشکده معارف اسلامی دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری قرآن و منابع اسلامی دانشکده معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

mehdi.jameie@ut.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان.

mohammadi1993.1372@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

طرح مسئله

تاریخ بشری تاکنون شاهد حکومت‌های فراوانی بوده که هرکدام با خط مشی و ایدئولوژی‌های مختلفی حکومت کرده‌اند. حکومت اسلامی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنا شد با جهان بینی کاملاً توحیدی و شخصیت اخلاقی ایشان به تصریح قرآن کریم «وَإِنَّكَ لَعَلِي خُلِقَ عَظِيمٌ» (قلم / ۴) همراه بوده است. حکومت علوی نیز که ادامه دهنده حکومت نبوی است ماهیتی الهی داشته و طبیعتاً باید اخلاق در آن جلوه‌گر باشد. خلافت بلافصل و تربیت یافتن امیر المؤمنین در دامن نبوت، انگاره محوری اخلاق در حکومت علوی را تقویت می‌نماید. با توجه به اینکه معمولاً در مواجهه با مخالفان، اخلاق رنگ می‌بازد، بررسی نوع مواجهه امام با معاویه و به ویژه، اصول اخلاقی راهبردی ایشان که به عنوان مدیر جامعه اسلامی در این تعامل به کار می‌بندند، بایسته و شایسته است. این نوشتار با فرضیه محوری اخلاق در مکاتبات و تعاملات امام با معاویه امر تحقیق را پیش برده است. مهم‌ترین منبع برای سنجش این فرضیه، نامه‌های امام با معاویه است که با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد واکاوی قرار گرفته است. طبق تحلیل، حجم غالب این نامه‌ها ماهیتی اخلاقی داشته و غالباً ناظر به رویکرد بیان رفتارهای ضد اخلاقی در حکومت داری است که به منظور ریشه‌یابی انحرافات معاویه و بیان عدم صلاحیت وی برای حکومت شام، از جانب امام مطرح گردیده است.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون ابعاد اخلاقی حکومت علوی نگاشته شده است. شریفی‌نیا در قالب مقاله‌ای با عنوان «اصول سیاست علوی»، تقوا، عدالت و دادگری، حق‌مداری و باطل‌ستیزی، انسان‌محوری و مردم‌داری را از مهم‌ترین اصول اخلاقی حکومت علوی بیان می‌دارد. (شریفی‌نیا، ۱۳۸۰: ۴ - ۱۲) همچنین لولوئی در مقاله «اخلاق علوی در پرتوی الزامات روابط دیپلماتیک» به بررسی اندیشه‌های اخلاقی - سیاسی امام علی علیه السلام در برقراری روابط فی مابین پرداخته و یافته‌هایی نظیر کاربست دیدگاه بشردوستانه، صداقت و صراحت، عدم نیرنگ، خویش‌داری و سعه صدر توسط امام علی علیه السلام، حاصل تلاش وی است. (لولوئی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۷ - ۱۱۳)

فرمهبینی و اشرفی در اثر مشترکی تحت‌عنوان **اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه** با تکیه بر نامه ۵۱ نهج‌البلاغه، اصولی از جمله اصل احترام، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل نقادی و انتقادپذیری، اصل مدارا و سعه صدر، اصل قانون‌مداری، اصل اعتدال و اصل رازداری را به‌عنوان مهم‌ترین اصول حرفه‌ای در نهج‌البلاغه بیان کرده‌اند. (فرمهبینی، اشرفی، ۱۳۹۳: ۶۷ - ۸۶)

ذاکری در کتاب **اخلاق مدیریت در نهج‌البلاغه** به صورت مبسوط، به استخراج و بررسی نکات

کلیدی اخلاق مدیریتی از نامه ۵۱ نهج‌البلاغه به مالک اشتر پرداخته است. (ذاکری، ۱۳۹۴)

دلشاد تهرانی نیز در کتاب *رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر* به استنباط اصول اخلاق مدیریتی در نامه ۵۱ نهج‌البلاغه پرداخته است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲)

اغلب پژوهش‌ها در این باره، نامه ۵۱ نهج‌البلاغه را محور قرار داده و به استنباط اصول اخلاق حرفه‌ای پرداخته‌اند اما کشف این اصول از نامه‌هایی که جنبه عینی و عملیاتی‌تری دارند مانند مکاتبات میان حکومت علوی و مخالفان، آن هم با روش تحقیقی که هیچگونه سوگیری نگارنده را برنتابد، موجب قوت و اعتبار هرچه بیشتر این‌گونه تحقیقات خواهد بود. با این همه، کشف اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای مدیریت در حکومت علوی با تمرکز بر مکاتبات امام علی علیه السلام با معاویه و با استفاده از روش تحلیل محتوا که روشی است عینی، سیستماتیک و پایا، ویژگی منحصر به فرد این نوشتار است.

الف) روش تحلیل محتوا

پیام، فرستنده و گیرنده سه عنصر اصلی فرایند ارتباط هستند که هر کدام از اینها بسته به هدف پژوهش، می‌توانند مورد تحلیل قرار گیرند. روش تحلیل محتوا روشی پیام محور است که کندوکاو در معانی و زوایای پنهان پیام، ویژگی ممتاز آن در مقایسه با دیگر روش‌های تحلیل است. این روش به پیام‌های حاصل از منابع مکتوب منحصر نیست و هر متن و سندی که حاکی از نوعی ارتباط باشد مانند سخنرانی، نقاشی، مکتوبات، اشعار، قوانین و ... را می‌تواند مورد پایش قرار داده و براساس محتوای پیام، استنتاج نماید. لورنس باردن بر این باور است که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند». (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹) هولستی نیز روش تحلیل محتوا را به هر تکنیکی که برای استنباط نظام مند و عینی ویژگی‌های خاص پیام به کار می‌رود اطلاق می‌کند. (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۶)

هرچند روش تحلیل محتوا ماهیتی کمی دارد اما به نظر می‌رسد تعریفی که برنارد برلسون از تحلیل محتوا ارائه کرده است ساده‌ترین تلقی از این روش باشد چراکه وی تحلیل محتوا را «تکنیکی جهت توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار پیام» دانسته است. (قائدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹) درحالی‌که این تعریف ناشی از نادیده گرفتن پیام‌های نهان متن است و کشف این پیام‌ها، اساس بسیاری از پژوهش‌ها می‌باشد. کریپندورف نیز تعریف برلسون را از این جهت قابل نقد دانسته

و اضافه می‌کند که این روش به توصیف کمی متن، محدود نیست. (مطیع و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱) دو رکن «عینی» و «سیستماتیک» در تعریف برلسون دال بر پایایی و تکرارپذیری این روش است به گونه‌ای که سایر پژوهشگران نیز با روش و اطلاعات یکسان به نتایج مشابهی می‌رسند. (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۹۰) همچنین عبارت «عینیت» حاکی از آن است که این روش بر قواعدی مشخص استوار می‌باشد که گزینش محتوا براساس آن صورت می‌گیرد. درحقیقت چهار ویژگی مهم عینی بودن، منظم بودن، آشکار بودن و کمی بودن این روش موجب می‌شود که تحقیق از هرگونه سوگیری و اعمال سلیقه مصون باشد.

آنچه این روش را از دیگر روش‌های پژوهش متمایز می‌کند اعتبار و روایی بالا، استناد دقیق، کاربرد آسان و داده‌های از پیش موجود (و به تبع آن، مصونیت از خطا در جمع‌آوری داده‌ها) است. روش تحلیل محتوا بر خلاف اغلب پژوهش‌های اجتماعی، رسیدن از پاسخ به سوال است به همین خاطر آن را فن «پرسش‌نامه معکوس» نیز نامیده‌اند. (فیروزان، ۱۳۶۰: ۲۱۱) این پیام مورد تحلیل است که پرسش‌ها را می‌نمایاند و در حقیقت، خود پاسخ آن پرسش‌ها است. در این روش، به جای آنکه پژوهش‌گر پرسش‌نامه طرح کرده و سپس به دنبال یافتن پاسخ باشد، پاسخ که همان پیام مورد تحلیل است را با هدف کشف همه ابعاد پیام مانند علل صدور، هدف و آثار آن مورد بررسی و تحلیل عینی قرار می‌دهد. «مطالعه اطلاعات به منظور پاسخ دادن به این پرسش‌ها که چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی، ۱۳۸۱: ۲۲۲) عمده‌ترین کاربرد این روش است.

کهن‌ترین شاهد تاریخی کاربرد این روش، به نگرانی کلیسا از گسترش مطالب غیر مذهبی در روزنامه‌ها در اواخر سده هفدهم میلادی باز می‌گردد. همچنین با آغاز قرن بیستم میلادی عوامل متعددی بر گسترش کاربرد این روش موثر بود که بررسی تبلیغات سیاسی بر پایه این روش در جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در این زمینه است. از نخستین باری که روش تحلیل محتوا به‌عنوان یک روش مستقل توسط «برنارد برلسون» نام‌گذاری و تعریف شد بیش از نیم قرن می‌گذرد. (محمدی‌فر، ۱۳۸۷: ۲۶) از آن پس، به مرور این روش در میان پژوهش‌گران شناخته شد و به‌تازگی کاربرد آن در همه حوزه‌های علوم، مشهود است.

۱. اقسام تحلیل محتوا

در یک تقسیم کلی، تحلیل محتوا به لحاظ روش به دو قسم کمی و کیفی قابل تقسیم است.

یکم. تحلیل محتوای کمی

کمی یا کیفی بودن این روش از اختلاف نظرهای بنیادین میان صاحب‌نظران است. برلسون و هولستی از جمله کسانی هستند که در تعریف خود از روش تحلیل محتوا بر بُعد کمی آن تأکید داشته و رسالت اصلی آن را شمارش فرآورده‌های ارتباطی در قالب آمار و ارقام می‌دانند. (Berelson, 1971: 15) از نظر هولستی تنها، یافتن پاسخ‌های کمی برای سوال‌های کمی می‌تواند توجیهی برای به‌کارگیری روش تحلیل محتوا باشد. (هولستی، ۱۳۷۳: ۱۶) تحلیل محتوای کمی بر این پایه استوار است که بسامد و تکرار هر چه بیشتر یک واحد تحلیلی، نشانه اهمیت و تأثیر آن بوده و در این اختلاف فراوانی‌ها حقایقی نهفته است. تحلیل محتوای کمی به بررسی محتوای آشکار پیام پرداخته و در ساختاری نظام‌مند، اقدام به استنتاج‌های آماری می‌کند.

دوم. تحلیل محتوای کیفی

برخی انتقادها به روش تحلیل محتوای کمی وارد است از جمله اینکه بسامد و تکرار، همیشه بیان‌گر اهمیت نیست بلکه چه بسا عناصر دیگری باشد که با کمترین بسامد، تأثیری ژرف در القاء پیام بگذارد. درحقیقت، توجه انحصاری به بُعد کمی و تنها به فراوانی اهمیت دادن، موجب غفلت از سایر ابعاد ارزشمند پیام و از دست دادن اطلاعات ترکیبی می‌شود. بهترین راه برای رفع محدودیت‌های تحلیل کمی و در عین حال بهره‌مندی از مزایای آن، استفاده توأمان از روش تحلیل کمی و کیفی است. همین امر باعث شده است که برخی برای روش کمی، نقش مقدماتی قائل شوند و آن را مقدمه‌ای برای ورود به تحلیل کیفی بدانند. کریپندورف بر این باور است که تحلیل‌های کمی راه ورود برای تحلیل‌های کیفی را هموار می‌کنند و در اصل نشان می‌دهند که محقق براساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی پرداخته است. (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶) تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. (جانی پور، ۱۳۹۶: ۳۵) تحلیل کیفی برخلاف تحلیل کمی با مضامین نهان متن یا پیام ارتباطی سر و کار داشته و طی فرآیندی منظم، در پی کشف و استنباط روابط است. وقتی پژوهشگر سعی در استنباط معنایی خاص از متن، از طریق طبقه‌بندی کلمات و پی بردن به شباهت‌ها، افتراق‌ها و روابط بین آنها را دارد، تحلیل محتوای کیفی را پیش می‌گیرد. (مومنی راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶)

۲. روش تحلیل محتوا در پژوهش حاضر

این نوشتار که از روش تحلیل محتوا بهره می‌برد علاوه بر تحلیل محتوای آشکار پیام به صورت کمی،

محتوای نهان متن را نیز مورد تحلیل قرار داده است. به عبارت دیگر، این پژوهش بر پایه اشباع نظری استوار است یعنی با در نظر گرفتن همه ابعاد آشکار و پنهان، کلی و جزئی، کمی و کیفی متن، امر تحقیق را پیش می‌برد. بدین منظور با تنظیم متن نامه‌های امام به معاویه در نرم‌افزار اکسل براساس واحد تحلیل مضمون، برای هر گزاره یک ستون موضوع اصلی و یک ستون موضوع فرعی در نظر گرفته شد. جهت‌گیری اصلی متن در ستون موضوع اصلی، و آنچه پیام نهان متن بود در ستون موضوع فرعی نگاشته شد. ستون ملاحظات نیز جهت درج هرگونه نکته ای که در فهم و استنتاج از گزاره می‌توانست مفید باشد در نظر گرفته شد. طبقات و مقوله‌ها نیز با بررسی کامل متن استخراج شده و هرگزاره تحت یک مقوله جای گرفت که این مهم، با در نظر گرفتن هر دو ستون موضوع اصلی و فرعی و غایت نهایی گزاره انجام شده است. در ادامه، پیام‌هایی که ذیل مقوله اخلاقی قرار گرفتند مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱: نمونه جدول تحلیل

کد نامه	گزاره	ترجمه	موضوع اصلی	موضوع فرعی	ملاحظات	مقوله	اصل راهبردی

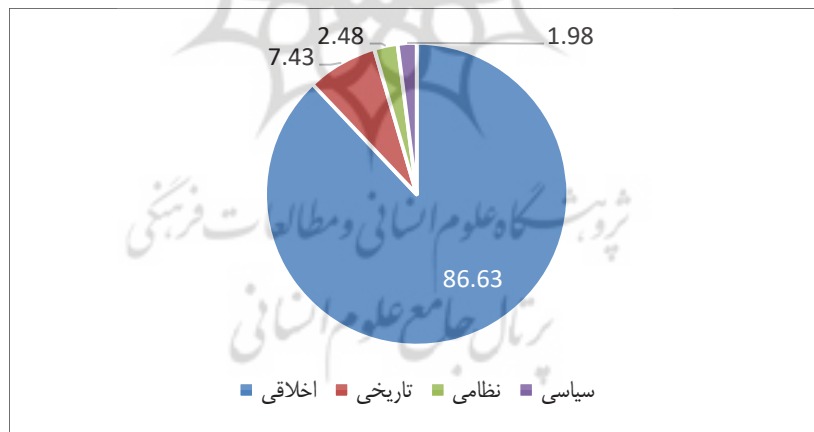
نامه‌های حضرت به معاویه دارای ابعاد گوناگون و در بستر سیاسی، نظامی، اخلاقی، تاریخی و ... شکل گرفته است و منحصر در بعد اخلاقی نیست؛ باین‌حال ممکن است هدف از بیان یک گزاره، القای یک مفهوم اخلاقی از جانب امام بوده باشد و یا اینکه با توجه به انواع دلالت‌های کلام، بر هدفی اخلاقی نیز دلالت کند. بدین ترتیب با توجه به ماهیت روش تحلیل محتوا و نقش آن در کشف پیام‌های نهان متن، کاربست اخلاقی آن گزاره در حوزه اخلاق حرفه‌ای مدیریت، مدنظر نگارنده قرار گرفته است.

ب) نمای کلی اخلاق در حکومت علوی

در مطالعات اسلامی تقابل میان امام علی علیه السلام و معاویه، همانند تقابل دو نماد خیر و شر در ذهن تجلی می‌کند. هرچند این تقابل در فضای پرفتنه آن روزگار، پررنگ و قابل تشخیص نبود اما اکنون، شواهد تاریخی و منقول و آثار برجای مانده، گواه خوبی برای تشخیص صواب از ناصواب و سره از ناسره است. با توجه به آنچه پیش‌تر ذکر شد مبنی بر محوریت اخلاقی امام برپایه نصب الهی و خلافت بلافضل نبی، بررسی میزان مواجهه اخلاقی ایشان با مخالفان نیز می‌تواند در مستندسازی این محوریت، موثر باشد. حضرت در بیانی بر لزوم تعصب و پایبندی بر موازین اخلاقی در همه عرصه‌ها تاکید کرده و فرمودند: «فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ». (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲) این‌گونه تعابیر که از اصالت‌بخشی بر اخلاقیات حکایت دارد در سراسر

نهج‌البلاغه و فرمایشات حضرت از جمله نامه‌های ایشان به امام حسن مجتبی علیه السلام و مالک اشتر که در بردارنده والاترین مضامین و اصول اخلاقی است، به وفور دیده می‌شود. همین غنای اخلاقی در نهج‌البلاغه و سیره آن بزرگوار، آشخوری برای استنباط اصول اخلاقی و اخلاق کاربردی در حوزه‌های گوناگون سیاسی، مدیریتی، حرفه‌ای، فردی، اجتماعی و ... شده و پژوهشگران را به ژرف‌کاوی در اعماق خویش کشانده است. از نظر پژوهشگران، حکومت علوی حکومتی اخلاق‌محور بوده و اخلاق در آن، نقشی اصیل داشته نه ابزاری. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰: ۷۲) جایگاه والای اخلاقی آن حضرت باعث شد تا حتی سرسخت‌ترین مخالفان نیز به برتری ایشان گواهی دهند. خود معاویه به‌رغم همه دشمنی‌ها، به برتری امام برای زعامت اقرار کرده است. (سراج، ۱۳۷۶: ۳۴۵) عمروعاص نیز در مدح حضرت اشعاری سروده که بر فضائل اخلاقی و ولایت ایشان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله صراحت دارد. (ابن‌عساکر، ۱۳۹۸: ۲ / ۸۹) با این حال، بررسی مکتوبات برجای مانده از امام از جمله نامه‌های حضرت به کارگزاران و افراد مختلف، حاکی از نقش پررنگ رویکرد اخلاقی ایشان در مواجهه با مخاطبان می‌باشد. هنگامی که مالک اشتر به شهادت رسید، عهدنامه‌ای که امام به او داده بود تا براساس آن بر مردم حکومت کند به دست معاویه افتاد. او از خواندن عهدنامه مبهوت شد؛ به بلندای معارف آن اعتراف و آن را نزد خود نگهداری کرد و در مقابل پیشنهاد آتش زدن آن سخت برآشفست. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق: ۶ / ۷۴ - ۷۲)

در پژوهش حاضر نیز، از مجموع ۲۰۲ گزاره‌ای که مورد تحلیل قرار گرفت ۱۷۸ گزاره یعنی ۸۶.۶۳٪ مربوط به مواجهه اخلاقی امام با معاویه است که فرضیه پژوهش مبنی بر اخلاق محوری حکومت علوی را اثبات می‌نماید.



نمودار ۱: فراوانی کلان رده‌های موضوعی

ج) اصول راهبردی اخلاق حرفه‌ای در مدیریت علوی

با در نظر گرفتن عبارات امام و روح کلی حاکم بر آنها، اصولی استنباط می‌شود که امروزه تحت عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای و مدیریتی مورد بحث قرار می‌گیرد و شمار قابل توجهی از گزاره‌ها، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، از به کارگیری این اصول توسط امام به عنوان مدیر جامعه اسلامی حکایت دارد. اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که اخیراً به دلیل جایگاه آن در افزایش بهره‌وری سازمان‌ها و مشاغل، مورد توجه شایانی قرار گرفته است. این انگاره که کاربست اصول اخلاقی در حرفه و سازمان، می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری و توفیقات حرفه‌ای شود، زیربنای تدوین منشورهای اخلاقی درون‌سازمانی قرار گرفته است. رسالت بنیادین اخلاق حرفه‌ای، تبیین مسئولیت‌های اخلاقی بنگاه‌ها و مشاغل، تحلیل مسائل اخلاقی و حل معضلات اخلاقی در کسب و کار می‌باشد. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۳۷) این جنبه از اخلاق با عنایت به ارتباط اخلاقی فرد با دیگران قابل تبیین است. در حقیقت، ملاک تعامل با دیگران، در این شاخه نیز مورد توجه است. اخلاق، رفتار ارتباطی پایدار مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط است. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۶۰) بنابراین اصول اخلاق حرفه‌ای، آن اصولی است که رعایت آنها ضامن ایفای حقوق افراد باشد.

ساحت‌های مختلف زندگانی امام علی علیه السلام چه قبل از حکومت و چه بعد از آن، در عرصه سیاست‌گذاری، اجراء، مکاتبات، تعاملات و ... همه گویای اهتمام ایشان به حقوق عامه بوده و روح کلی حاکم بر حکومت ایشان، احقاق حقوق افراد است. معرفی وظایف حکومت در قالب نامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی ایشان به کارگزاران، به خوبی گویای این ادعا است. (نهج‌البلاغه / نامه ۵۳) همچنین از بررسی فضای کلی حاکم بر نامه‌های امام و مطالعه موردی گزاره‌های مورد بررسی، چنین استنتاج می‌شود که در مواجهه اخلاقی امام با معاویه، همه اوامر و نواهی اخلاقی ایشان، متأثر از قواعد و اصول عامی است که می‌تواند منشا استنباط اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت ایشان باشد.

در حقیقت دو عنصر بسیار مهم، زیر بنای همه تعاملات اخلاقی امام با دیگران است:

اصالت اخلاق: بدین معنا که امام، نگاه غیری به اخلاق نداشته و اخلاق را فی‌نفسه لازم می‌داند. بدین ترتیب باید با دشمن، اخلاقی رفتار کرد نه به این جهت که محبت او جلب شود بلکه به این جهت که اخلاق خوب است. این جنبه ناظر به حسن فعلی اخلاق است. عبارات فراوانی در نهج‌البلاغه از جمله: «فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصِيَّةِ فَلْيَكُنْ تَعَصُّبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخُصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ» (نهج‌البلاغه / خطبه ۱۹۲) در کنار در نظر گرفتن التزام عملی ایشان به این اصل، اصالت اخلاق را نزد ایشان تبیین می‌کند.

توجه به ملاک نهایی اخلاق: این عنصر در علم اخلاق، مبنای توجیه توصیه‌های اخلاقی است. اینکه «ملاک نهایی اخلاق چیست» آوردگاه تضارب آراء می‌باشد؛ اما امام، غایت اخلاق را خدا می‌داند. بدین ترتیب، غایت تخلّق، تقرّب است. این جنبه ناظر به حسن فاعلی اخلاق است.

در علم فلسفه اخلاق، تقسیماتی برای ارزش اخلاقی مطرح کرده‌اند که براساس یک دیدگاه، ارزش اخلاقی به ارزش‌های ذاتی و غیرتی تقسیم می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۱۹) منظور از ارزش ذاتی آن ارزشی است که مقتضای ذات یک فعل یا صفت باشد. افعال و صفاتی ارزش ذاتی دارند که فی نفسه و فارغ از ثواب و عقاب، مطلوب‌اند مانند عدالت؛ بر خلاف ارزش غیرتی که موضوع در آن، مطلوب بالذات نیست بلکه تنها عاملی است برای رسیدن به کمال مطلوبی که ارزش ذاتی دارد.

طبق دیدگاه دیگر، ارزش، به ارزش‌های غایی و ابزاری تقسیم شده است. ارزش غایی که غالباً از سوی مکاتب غایت‌گرای اخلاقی مطرح می‌شود، بیان می‌دارد که ارزش اصیل، از آن غایت نهایی اخلاق است و افعال اختیاری که به احکام اخلاقی متصف می‌شوند تنها ابزاری جهت نیل به مطلوب غایی هستند. هرچند ارزش ذاتی و غایی در مکاتب غایت‌گرا، به یک معنا بازتعریف می‌شوند (ترکاشوند، ۱۳۹۰: ۳۶) اما نسبت میان آن دو، عموم و خصوص مطلق است و اینگونه نیست که هر فعل یا صفت دارای ارزش ذاتی، ارزش غایی نیز داشته باشد؛ مانند عدل که ارزش ذاتی دارد اما ارزش غایی محسوب نمی‌شود زیرا در مکتب اخلاقی اسلام، قرب الهی و عبودیت، غایت نهایی است و عدالت، تنها نقش ابزاری دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳۴۳)

براساس دیدگاه اول، اخلاق در سیره و اندیشه امام علی علیه السلام ارزش ذاتی دارد یعنی بالاصاله مطلوب است و براساس دیدگاه دوم، ارزش ابزاری دارد چراکه در مسیر تقرّب به خدا (ارزش غایی)، نقش ایفاء می‌کند. قابل ذکر است که ارزش ذاتی و ابزاری مانع الجمع نبوده و رابطه عموم و خصوص من وجه میان آن دو برقرار است. بدین معنا که برخی ارزش‌های ذاتی همچون عدالت، ارزش ابزاری نیز دارند. (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۱۲) بنابراین، مواجهه اخلاقی امام علی علیه السلام از سویی به جهت ارزش ذاتی اخلاقیات است و از سوی دیگر، به جهت نقش آنها در نیل به غایت مطلوب یعنی قرب الهی.

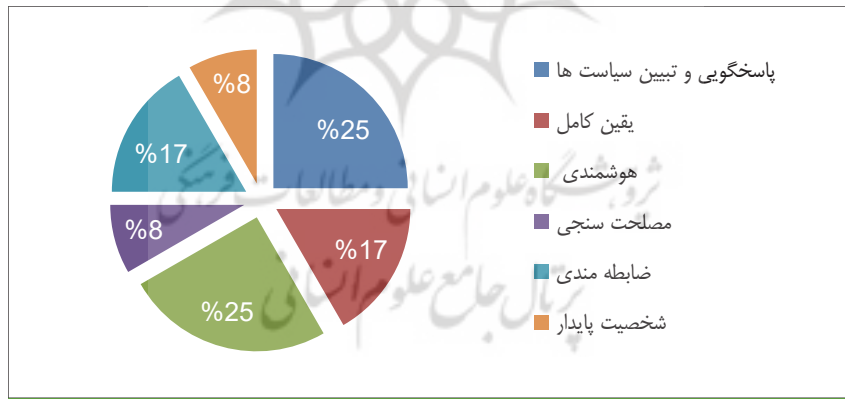
این دو عنصر با در نظر گرفتن سیره عملی آن بزرگوار (مانند ماجرای کظم غیظ ایشان در قتل عمرو بن عبدود در جنگ احزاب)، به وضوح قابل برداشت است. همچنین، تعامل اخلاق محور ایشان با معاویه که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است نیز مؤید این مدعا است چراکه ایشان اخلاق را فدای اغراض سیاسی و یا نظامی نکرده و فارغ از اینکه مخاطبش معاویه است، از دریچه اخلاق مکاتبه می‌نمایند. بنابراین احقاق حق یا عدالت که یک مفهوم اخلاقی است، هم فی نفسه

خوب و اصیل است و هم غایتش تقرب به پروردگار است. امام مبنای ارتباط اخلاقی را رعایت حقوق مردم دانسته و پیوسته بر این مهم تاکید کرده‌اند. یکی از این مواضع، عهدنامه مالک اشتر است «و أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ...» که امام در آن، حقوق مردم را حقوق خداوند، و تضييع آنها را، تضييع حقوق پروردگار می‌داند. حتی در فراز «وَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَيَّ تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلِيٍّ ظُلْمٍ» قصاص تضييع حقوق مردم را سخت‌تر توصيف می‌نماید. (نهج‌البلاغه / نامه ۵۳)

از میان دیدگاه‌های اخلاقی مختلف، دیدگاه «تعهد اخلاقی نسبت به رعایت حقوق افراد» بر این مهم تاکید داشته و بیان می‌دارد که برای همه افراد انسانی باید حرمت و ارزش قائل بود و تحت هیچ شرایطی نباید حقوق افراد ضایع شود. در این دیدگاه نیت انسان‌ها نقش محوری دارد؛ به گونه‌ای که باید نیت خیرخواهانه و عدم تضييع حقوق دیگران، مبنای هرگونه تعامل و رفتار باشد. (الوانی، ۱۳۸۳: ۲) بنابراین طبق این دیدگاه، سازمانی اخلاقی است که همه سیاست‌گذاری‌ها و دستورالعمل‌هایش مبتنی بر ایفای حقوق افراد بوده و التزام عملی به آنها را در دستور کار قرار دهد.

از آنجاکه هر سازمانی ناگزیر از یک سلسله اصول اخلاقی در تعامل با دیگران بهره می‌برد، حکومت علوی نیز که یک تشکیلات و سازمان است از این امر مستثنی نیست. آنچه از تحلیل محتوای مکاتبات امام با معاویه به دست می‌آید، از کاربست اصول اخلاق حرفه‌ای در حکومت علوی خبر می‌دهد. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰: ۷۶)

اخلاق مدیریت، عبارت است از ملکات نفسانی انسان، از آن جهت که اداره امور جمعی از انسان‌ها را برای نیل به هدف‌هایی معین، عهده دار است. (خیاط مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲۹) با توجه به این نکته و نیز با در نظر گرفتن امام به‌عنوان مدیر جامعه اسلامی، این اصول در بُعد مدیریتی اخلاق حرفه‌ای جای می‌گیرد. نمودار ذیل، فراوانی این اصول را نشان می‌دهد و در ادامه، به تبیین هر اصل پرداخته شده است.



نمودار ۲: فراوانی اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت

۱. پاسخگویی و تبیین سیاست‌ها

طبق تحلیل، بیشترین آمار، مربوط به مؤلفه پاسخگویی و هوشمندی است. مراد از پاسخگویی، روشننگری درباره موارد خاصی است که از جانب معاویه مطرح شده یا اینکه امام صلاح دیده‌اند آن مورد را به صورت خاص، تشریح و تبیین کنند. تقریباً همه نامه‌های امام، در پاسخ به مکاتبات معاویه ایراد شده است. نامه‌های ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۷، ۶۴، ۶۵، ۷۳ به‌طور صریح و نامه‌های ۶، ۴۸، ۴۹، ۵۵ به صورت ضمنی بر این مطلب دلالت دارند. از این میان، تنها نامه ۷۵ در ابتدای خلافت و باهدف دعوت معاویه به بیعت نگاشته شده است. این موضوع، از اهمیت اصل پاسخگویی در حکومت علوی که اغلب با روشننگری و تبیین سیاست‌ها از سوی امام انجام می‌شده است، حکایت دارد. در مواضع گوناگون نامه‌ها، مشاهده می‌شود که امام حتی در مقابل سخیف‌ترین ادعاها و نقدهای معاویه، خود را پاسخ‌گو دانسته و به روشننگری همه جانبه می‌پردازد. همچنین سوابق و وضع کنونی را بیان کرده و در نهایت، آینده‌نگری می‌کند. در جایی نیز از حکومت، شخصیت و جایگاه خویش به‌عنوان یک حاکم ابهام زدایی می‌کند. نامه ۱۷ نهج‌البلاغه را می‌توان نمونه کامل این فرآیند دانست که امام با ترجیح‌بند «و اما قولک ...» به تک‌تک مدعیات معاویه، به صورت منطقی و مستدل پاسخ می‌دهد. این پاسخگویی که از اصول مدیریتی امام است، در مقابل شخصی چون معاویه تا جایی ادامه دارد که حتی خود امام نیز به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: «فَأَيُّ عَلِيٍّ التَّرَدُّ ... من در اینکه مکرر به پاسخ نامه‌های تو پرداخته و گوش به آن فراداده‌ام خود را سرزنش می‌کنم». (نهج‌البلاغه / نامه ۷۳)

اهتمام امام به پاسخگویی تا آنجاست که حتی در مواردی به صورت خاص بیان می‌دارد که اکنون به کدامیک از نامه‌های معاویه پاسخ می‌گوید. «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ أَتَانِي كِتَابُكَ ...: اما بعد (از حمد و ثنای الهی) نامه‌ات به من رسید نامه‌ای که در آن یادآور شده‌ای که خداوند محمد ﷺ را برای آیینش برگزید و ...». (نهج‌البلاغه / نامه ۲۸) در این عبارت دو نکته جای تأمل دارد: اول اینکه از اعلام وصول نامه‌ها توسط امام، چنین برداشت می‌شود که برخی نامه‌ها به ایشان نمی‌رسیده است. دوم آنکه حجم مکاتبات میان امام و معاویه به قدری بوده که امام نیاز دیده‌اند با توصیف و بیان پاره‌ای از محتوای نامه معاویه، به صورت دقیق مشخص کنند که کدام نامه او مد نظر است.

جدول ۲: فراوانی اصل پاسخگویی

نام	فراوانی	نمونه موضوع اصلی / فرعی
۶	۱	تبیین ساز و کار نصب امام (پاسخ با مسلمات خصم)
۹	۱	مقاومت تمام عیار حکومت در برابر خواسته‌های معاویه

نام	فراوانی	نمونه موضوع اصلی / فرعی
۱۷	۳	تبیین ایمان کامل امام به راه و هدف
۲۸	۲	اعلام وصول نامه معاویه و پاسخ به آن
۴۸	۱	ناکامی معاویه در رسیدن به دنیای مطلوبش همچون اصحاب جمل
۷۳	۱	بیان پاسخگویی مداوم توسط امام

۲. هوشمندی

هوشمندی نیز مؤلفه دیگری است که به بُعد اشراف اطلاعاتی امام به تحرکات و سیاست های معاویه و همچنین تدبیر امام در ریشه یابی مسائل، اشاره دارد. در حقیقت، مراد از هوشمندی در اینجا عبارت است از نظام اطلاعاتی ای که عناصری همچون علم مدیریت، تخصص، علم امامت، مخاطب شناسی و ... را شامل است. هوشمندی امام به عنوان یک حاکم در برابر جنگ روانی ای که از جانب معاویه طراحی و عملیاتی می شد و تلاش برای خنثی سازی آن، از مکاتبات امام به وضوح قابل برداشت است. به عنوان نمونه، معاویه در مواضع مختلف سعی دارد تا با بیان فضایل خلفای پیشین، امام را حساس کرده و او را وادار به بدگویی از آنها کند. اما امام در پاسخ، معاویه را با عتاب و هشدار، از دخالت در این مسئله و اموری که به وی مربوط نیست منع می کند. در نامه ۲۸ چنین فرمودند: «وَزَعَمْتُ أَنِّي لِكُلِّ الْخُلَفَاءِ حَسَدٌ... پنداشته ای که من بر همه خلفا رشک برده ام و به خلاف همه برخاسته ام؟ اگر چنین باشد که تو گویی، تو را نرسد که بازخواست کنی. جنایتی بر تو نیامده است که از تو عذر خواهند...». (نهج البلاغه، نامه ۲۸)

با عنایت به اینکه امام در معرض آماج اتهامات از جانب معاویه قرار داشت و مکاتبات معاویه به ایشان، سراسر اتهام به قتل عثمان، طلحه، زبیر ... و در پرتوی آن، زیر سوال بردن اصل نظام بود، ایشان همواره درصدد دفاع از مشروعیت و تمامیت ارضی حکومت اسلامی در برابر جبهه مخالف بودند. این اتهامات غالباً با هدف ایجاد جنگ روانی و هجمه تبلیغاتی علیه امام مطرح می شد؛ زیرا معاویه در باطن خویش به حقانیت امام معترف بود و این باور را در مواردی نیز افشاء کرده است. (سراج، ۱۳۷۶: ۳۴۵) نوع واکنش امام به اینگونه اتهامات، در جهت دهی افکار عمومی نقش پررنگی داشت چراکه اگر امام در اثر همان جنگ روانی، کوچک ترین نقطه ضعفی بروز می داد، چه بسا باعث حقیقت انگاری آن اتهامات می شد. به عنوان نمونه، معاویه امام را متهم به کم کاری در دفاع از عثمان کرده که به قتل او انجامید اما امام در مقابل، چنین پاسخ می دهد: «فَلَاكُ أَنْ تُجَابَ عَنْ هَذِهِ لِرَحِمِكَ مِنْهُ... حق توست که با این گفتار (نادرست) از خویشاوندت دفاع کنی ولی کدام یک از ما دشمنیش

نسبت به او بیشتر بود و راه را برای کشتنش هموار ساخت؟ آیا کسی که آماده یاری او بود ولی (او یاریش را نپذیرفت) و از او خواست که بر جای خود بنشیند و دست از این کار بکشد و یا کسی که (عثمان) از او یاری خواست و او تأخیر کرد و مرگ را به سوی او فرستاد تا زندگانیش به سر آمد؟ هرگز چنین نیست که تو می‌گویی (و همه کسانی که در جریان قتل عثمان حضور داشتند این حقیقت را به خوبی می‌دانند). به خدا سوگند (به شهادت قرآن مجید) «خداوند کسانی که مردم را (از جنگ) باز می‌داشتند و کسانی را که به برادران خود می‌گفتند: «به سوی ما بیایید (و خود را از معرکه بیرون کشید)» به خوبی می‌شناسد». (نهج‌البلاغه / نامه ۲۸)

در قسمتی از این نامه‌ها نیز با استفاده از علم امامت، وقایع جنگ صفین و به خصوص، خدعه عمروعاص را مبنی بر قرآن به نیزه کردن، پیش‌بینی می‌نماید و می‌فرماید: «وَ كَأَنِّي بِجَمَاعَتِكَ تَدْعُونِي ... و گویا تو را مشاهده می‌کنم که با جمعیت خود بر اثر ضربات پی در پی و فرمان حتمی شکست و کشتگانی که پشت سر هم روی زمین می‌افتند، ناله و فریاد بر آورده‌ای و مرا به کتاب خدا دعوت می‌کنی ...». (نهج‌البلاغه / نامه ۱۰)

ایشان در برابر خواسته‌های معاویه، منفعل نبوده بلکه به نحوی فعال و قاطع و براساس نظریات کارشناسی، تخصص‌محور و موشکافانه، مواضع خویش را اعلام می‌دارند. مثلاً در فقره‌ای از این نامه‌ها در برابر درخواست معاویه مبنی بر تسلیم قاتلان عثمان چنین فرمودند: «فَأَيُّ نَظْرَتُ فِي هَذَا الْأَمْرِ ... من در این امر اندیشیدم و صلاح نمی‌دانم که آنان را به تو تسلیم کنم ...» (نهج‌البلاغه / نامه ۹) زیرا اولاً قاتلان عثمان آن قدر زیادند که قابل شناسایی نیستند و ثانیاً تسلیم آنان به معاویه وجهی ندارد؛ زیرا درخواست قصاص به عهده ولی دم عثمان است نه معاویه. ثالثاً امام به خوبی بر حیل‌های معاویه آگاه است و این نیز، یکی از سست‌ترین حیل‌های او است تا آنجا که امام در این باره فرمود: «وَ أَمَّا تِلْكَ الَّتِي تُرِيدُ ... اما آنچه را تو می‌خواهی همچون خدعه و فریب دادن طفلی است که در آغاز از شیر بازگرفتن است. (نهج‌البلاغه / نامه ۶۴)

فقراتی از این نامه‌ها نیز به خوبی گویای اشراف و قدرت دستگاه اطلاعاتی امام است. ایشان بیان می‌دارد که از اقدامات و تحرکات خصمانه معاویه از جمله یارگیری پنهان، تأویل نادرست قرآن در جهت توجیه عقاید فاسد خویش، انحراف افکار عمومی و ایجاد هجمه تبلیغاتی علیه حکومت و شخص امام علی عليه السلام به خوبی آگاهی داشته و حتی در فرازهای نصیحت‌گونه خویش به معاویه، وی را از خطر مشاوران گمراه نظیر مروان و عمروعاص بر حذر می‌دارد. «وَ لَا تُمَكِّنَنَّ الْغُورَةَ مِنْ سَمْعِكَ ... و به حاشیه نشینان فرومایه گوش فرا نده». (نهج‌البلاغه / نامه ۱۰)

جدول ۳: فراوانی اصل هوشمندی

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
تدبیر در امور حکومت و پاسخگویی براساس رأی کارشناسی	۱	۹
پیشگویی حيله عمروعاص (قرآن به نيزه كردن)	۲	۱۰
اشراف اطلاعاتی بر حيله‌های معاويه	۲	۲۸
اشراف اطلاعاتی بر تحركات خصمانه معاويه	۱	۳۲
افشای ادعای دروغین معاويه در خون‌خواهی عثمان	۱	۳۷
اشراف اطلاعاتی بر یارگیری و تبلیغات خصمانه علیه حکومت	۱	۵۵
اشراف کامل بر ابعاد شخصیتی معاويه	۱	۶۴

۳. یقین کامل

یکی از مهمترین اصول مدیریتی در هر حرفه‌ای، یقین کامل و برخاسته از باورهای مستدل و منطقی است که لازمه موفقیت در همه عرصه‌های مدیریتی از جمله سیاست‌گذاری و اجراء می‌باشد. این عنصر موجب می‌شود که یک مدیر و رهبر در فراز و نشیب‌های مدیریتی، گرفتار تلاطم شبهات و تردیدها نشود و همواره بهترین تصمیم‌گیری را در راستای اهداف و ارزش‌های مدیریتی داشته باشد.

نامه‌های معاویه به امام علی علیه السلام سراسر شبهه افکنی و تلاش برای تزلزل رأی حاکم اسلامی در موضوعات مختلف است. به همین جهت بسیار دیده می‌شود که امام تمام تلاش خود را برای زدودن چنین شبهاتی به کارگرفته تا برای معاویه و سایر مردمان که دیر یا زود در جریان این مکاتبات قرار می‌گیرند، یقین کامل ایشان در عرصه‌های مختلف، اثبات شود. مهمترین واکنش امام در برابر تلاش‌های معاویه برای ایجاد تزلزل رأی در ایشان، تبیین سیاست‌های برخاسته از یقین کامل است.

امام در فرازی به روحیه شهادت‌طلبی خویش که بارزترین نمود یقین قلبی است اشاره کرده و با لحنی آکنده از حسرت، از اندوه جاماندن از فیض شهادت سخن میراند: «وَأَرَادَ مَنْ لَوْ شِئْتُ ذَكَرْتُ اسْمَهُ... کسی را هم سراغ دارم که اگر بخواهم می‌توانم نامش را ببرم که دوست داشت همانند آنان شهادت نصیبش شود ولی اجل آن گروه (عبیده بن حارث و حمزه و جعفر) به سر رسیده بود و مرگ او به تأخیر افتاد». (نهج‌البلاغه / نامه ۹)

ایشان در فراز «فَأَنَا أَبُو حَسَنٍ قَاتِلُ جَدِّكَ... من ابوالحسن هستم، قاتل جد و برادر و دایی تو در روز بدر، و بر مغز آنها کوبیدم و همان شمشیر اکنون با من است و با همان قلب (و همان جرئت و شهامت) با دشمنم روبه‌رو می‌شوم...» (نهج‌البلاغه / نامه ۱۰) ضمن یادآوری سلحشوری‌های جنگ بدر در سیاقی تهدیدآمیز، آن ایام را در اوج یقین ترسیم کرده و تقابل کنونی خویش با معاویه را با همان

قوت‌انگیزه و یقین معرفی می‌کند. فقره پیش‌گفته و همچنین، عبارت «فَأَيُّ أَوْلِي لَكَ بِاللَّهِ ...: من برای تو به خدا سوگند یاد می‌کنم؛ سوگندی که تخلف ندارد که اگر مقدرات فراگیر (الهی)، من و تو را به سوی پیکار با یکدیگر کشاند، آن قدر در برابر تو ایستادگی خواهم کرد تا خداوند میان ما حکم فرماید و او بهترین حاکمان است (و آینده شومی در انتظار توست)» (نهج‌البلاغه / نامه ۵۵) با عنایت به شدت لحن، عوامل تاکید لفظی و سوگند به کاررفته در آن، همه از یقین کامل امام در شناخت دشمن حکایت دارد.

در کلام ایشان، عنصر یقین یکی از مهمترین وجوه امتیاز و برتری بر معاویه است که در مقام پاسخ به مدعیات پوچ معاویه، این مهم را متذکر شده و فرمودند: «وَأَمَّا اسْتِوَأُوتَا فِي الْحَرْبِ ...: و اما اینکه ادعا کرده‌ای ما در جنگ و نفرت (از تمام جهات) یکسان هستیم، چنین نیست، زیرا تو در شک (به مبانی اسلام) از من در یقین و ایمان (به آنها) فراتر نیستی. (نهج‌البلاغه / نامه ۱۷)

امام در پاسخ به ادعای معاویه مبنی بر ترک یاری عثمان و خصومت با وی، پس از تبیین اقدامات یاری‌گرایانه خود، بیان می‌دارد که درباره انتقاد از اقدامات عثمان، جای هیچ‌گونه عذرخواهی نیست؛ چراکه رویکرد ایشان به عثمان، کاملاً ارشادی و هدایت‌گرایانه بوده و در این باره، از هیچ سرزنشی باکی ندارد و این نیست مگر به جهت یقین کامل به صحت عملکرد. «وَمَا كُنْتُ لِأَعْتَذِرَ ...: ولی هرگز سزاوار نبود که من از این موضوع عذرخواهی کنم که بر عثمان به سبب بدعت‌هایی که (در تقسیم بیت المال و مناصب کشور اسلامی در میان ناهلان) گذارده بود عیب گرفتم و او را به علت (این کارها) سرزنش نمودم. اگر گناه من ارشاد و هدایت او باشد (هیچ مانعی ندارد و اگر به این کار ملامت شوم افتخار می‌کنم) چه بسیار کسانی که ملامت می‌شوند و بی‌گناهند (و به گفته شاعر) گاه شخص ناصح و خیرخواه از بس اصرار در نصیحت می‌کند متهم می‌شود. «من جز اصلاح - تا آنجا که توانایی دارم هدفی نداشته و ندارم - و توفیق من (در این کار)، جز به (یاری) خدا نیست. تنها بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم». (نهج‌البلاغه / نامه ۲۸)

همچنین، ایشان در مقام پاسخ به معاویه، در فرازی به یقین کامل خویش در ایام تلخ پس از پیامبر ﷺ و عدم بیعت با خلیفه، اشاره کرده و فرمودند: «وَقُلْتُ: إِيَّيْ كُنْتُ أَقَادُ ...: تو گفته‌ای که مرا همچون شتر افسار زده‌ای می‌کشیدند تا بیعت کنم؛ به خدا سوگند خواسته‌ای مذمت کنی ولی (ناخودآگاه) مدح و ثنا گفته‌ای و خواسته‌ای رسوا کنی ولی خودت رسوا شده‌ای. این امر برای یک مسلمان عیب نیست که مظلوم واقع شود مادام که در دین خود تردید نداشته باشد و در یقین خود شک نکند». (نهج‌البلاغه / نامه ۲۸)

براساس این، یقین در تشخیص صحیح دشمن، راه و هدف از بارزترین ابعاد مدیریتی آن حضرت است که به صورت خاص در این نامه‌ها ذکر گردیده است.

جدول ۴: فراوانی اصل یقین کامل

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
روحیه شهادت طلبی حضرت	۱	۹
یقین در شناخت دشمن	۱	۱۰
امام دارای بالاترین مرتبه ایمان	۲	۱۷ و ۲۸
یقین به صحت عملکرد و عدم ترس از ملامتگران	۱	۲۸
ثبات قدم در پیکار حق علیه باطل	۱	۵۵

۴. ضابطه‌مندی

برایند ژرف‌کاوی در نامه‌های امام، پایداری ایشان در حفظ ضوابط است. امام در این نامه‌ها به دفعات، درخواست معاویه را مبنی بر اخذ حکومت شام رد کرده و با نامه‌نگاری‌های مکرر و تهدیدهای معاویه، تغییری در رأی ایشان پدید نیامد. در مواضعی نیز معاویه را به حل‌وفصل دعاوی از مبادی قانونی توصیه می‌کند. به عنوان مثال، به معاویه فرمودند اگر واقعا خواهان قصاص قاتلان عثمان هستی، اول با من به عنوان حاکم بیعت کرده، سپس در دادگاه حکومت اقامه دعوی کن. «وَقَدْ أَكْثَرْتُ فِي قَتْلَةِ عُثْمَانَ فَادْخُلْ فِيمَا دَخَلَ فِيهِ النَّاسُ ثُمَّ حَاكِمِ الْقَوْمَ إِلَيَّ أَحْمِلْكَ وَإِيَّاهُمْ عَلَيَّ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى» (نهج البلاغه / نامه ۶۴) در مورد دیگری درخواست معاویه را مبنی بر معرفی و تحویل قاتلان عثمان رد کرده و فرمودند که تو ولی دم عثمان نیستی و درخواست قصاص فقط به عهده ولی دم است. (نهج البلاغه / نامه ۹) اصل «ضابطه‌مندی» در جدول تحلیل، به صورت خاص، این راهبرد را تبیین می‌کند که موارد آن در جدول ذیل آمده است.

جدول ۵: فراوانی اصل ضابطه‌مندی

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
عدم امکان تحویل قاتلان عثمان	۱	۹
امتناع امام از واگذاری حکومت شام به معاویه	۲	۱۷ و ۶۵
سرزنش عثمان به دلیل تخطی از ضوابط	۱	۲۸
سر سپاری به حکم قرآن	۱	۴۸
خون‌خواهی عثمان، تنها از راه ضوابط قانونی	۱	۶۴

۵. مصلحت‌سنجی

یکی دیگر از مهمترین اصول مدیریت، توجه به مصالح و مفاسد امور است. قطعا در مقاطعی از مدیریت، تصمیم‌گیری در جهت رسیدگی و گزینش اموری که بیشترین خیر ممکن را برای سازمان و

حکومت دارد، ضرورت پیدا می‌کند. لازمه این امر، تشخیص مصلحت امور براساس نظام معرفتی مدیر از جمله آراء کارشناسی و فنی، تجربه مدیریتی، مشاوران متخصص و ... می‌باشد.

ویژگی منحصر به فرد این نظام معرفتی در حکومت علوی، برخورداری از علم امامت است که ماهیتی الهی دارد. در حقیقت، اصالت‌بخشی به علم معصومین علیهم‌السلام توسط خداوند «لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ ...»، (نحل / ۴۴) کافی است که ایشان را آگاه‌ترین افراد به مصالح و مفاسد امور دانسته و بدین سبب، مدیریت ایشان در عرصه حکمرانی ممتاز گردد.

در فقراتی از این نامه‌ها، نمونه‌های بارز عملکرد براساس مصلحت‌سنجی امور از جانب امام، ذکر شده است. به‌عنوان نمونه، امام در پاسخ به درخواست معاویه مبنی بر تحویل قاتلان عثمان، اجابت این درخواست را به هیچ‌عنوان به صلاح نمی‌داند و چنین می‌فرماید: «فَلَمْ أَرَهُ يَسْعِي ... صلاح نمی‌دانم که آنان را به تو یا غیر تو تسلیم کنم». (نهج‌البلاغه / نامه ۹)

بی‌گمان، این درخواست معاویه مبنی بر تحویل قاتلان عثمان، خدعه‌ای بود که در صورت اجابت آن و بازگشایی پرونده این قتل، خیل عظیمی از عوام را بر علیه حکومت علوی می‌شورانید و پشتوانه مردمی آن را تضعیف می‌کرد؛ چراکه قتل عثمان و سرنگونی حکومت وی، درخواست غالب مردم بود. امام در فرازی این خدعه را چنین توصیف کرده‌اند: «وَأَمَّا تِلْكَ الَّتِي تُرِيدُ ...: اما آنچه را تو می‌خواهی همچون خدعه و فریب دادن طفلی است که در آغاز از شیر بازگرفتن است». (نهج‌البلاغه / نامه ۶۴)

همچنین، امام در نامه‌ای که در ابتدای حکومت به معاویه می‌فرستد، چنین می‌نگارد که فعلا مصلحت در آن است که این ماجرا مسکوت بماند. «وَالْحَدِيثُ طَوِيلٌ ... این داستان، طولانی است و سخن در اینجا فراوان است. گذشته گذشته است و آینده روی آورده (بنابراین سخن درباره این گونه مسائل را کنار بگذار) اکنون تو مأموری از تمام کسانی که نزد تو هستند برای من بیعت بگیری و با گروهی از یاران (برای بیعت مستقیم با من) به سوی من بیا». (نهج‌البلاغه / نامه ۷۵)

راز این مصلحت هم در همین نامه‌ها قابل برداشت است؛ زیرا به عقیده امام و گواهی تاریخ، قتل عثمان، انقلابی عمومی بوده و امکان احصاء قاتلان وی وجود ندارد (نهج‌البلاغه / نامه ۹) بلکه متهم اصلی این قتل، خود معاویه است که هنگام استمداد عثمان از وی، برای یاری او اقدامی انجام نداد.

همچنین، این فرازها نشان می‌دهد که امام در برخورد با معاویه و تقابل نظامی نیز، مصالحی را در نظر دارد. ایشان در فرازی این‌گونه فرمودند: «أُقْسِمُ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَوَلَّى ...: به خدا سوگند اگر نبود علاقه به باقی ماندن (مؤمنان پاک دل و آثار اسلام و نتیجه زحمات پیغمبر اکرم) ضربه‌های کوبنده‌ای از من به تو می‌رسید که استخوانت را خرد و گوشت تو را آب می‌کرد». (نهج‌البلاغه / نامه ۷۳)

جدول ۶: فراوانی اصل مصلحت‌سنجی

نام	فراوانی	نمونه موضوع اصلی / فرعی
۹	۱	به صلاح ندیدن تحویل قاتلان عثمان به معاویه
۷۳	۱	لحاظ مصلحت عمومی در برخورد با معاویه
۷۵	۱	اولویت دادن به امور براساس مصلحت نظام

۶. شخصیت پایدار

از دیگر ویژگی‌های مدیریت و رهبری که از اهمیت بالایی برخوردار است، ثبات شخصیت در عرصه مدیریت است. آنچه یک مدیر را ممتاز و موفق می‌کند، ثبات در صفات شخصیتی، انگیزه و قوای نظامی در اعلی درجه است. پیچیدگی‌های مدیریتی، مشاوران فاسد، مغرض و غیر متخصص و همچنین انگیزه‌های دنیوی از جمله مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند موجب تغییر شخصیت مدیر شود و به تبع آن، عملکرد سازمان را دچار رخوت نماید.

بخش قابل توجهی از نامه‌های امام به معاویه، به آسیب‌شناسی شخصیت معاویه پرداخته است که طی آن، شخصیت معاویه به سبب عواملی همچون سلطه مشاوران گمراه (مروان و عمروعاص)، سلطه انگیزه‌های دنیوی و عدم تخصص در مدیریت، فاقد ثبات شخصیت معرفی شده است.

نمونه بارز این ارزیابی را می‌توان در نامه هفتم نهج‌البلاغه مشاهده کرد که حضرت فرمودند: «وَ كِتَابُ امْرِئٍ لَيْسَ لَهُ بَصَرٌ...: این نامه از کسی است که نه چشم بصیرت دارد تا هدایتش کند و نه رهبری آگاه که ارشادش نماید؛ هوا و هوس او را به سوی خود دعوت نموده و او این دعوت را اجابت کرده است؛ گمراهی رهبر او شده و او از آن پیروی نموده است؛ به همین دلیل بسیار هذیان می‌گوید و در گمراهی سرگردان است». (نهج‌البلاغه / نامه ۷)

در مقابل، امام در سه مورد، به صورت مستقیم به ثبات شخصیتی خویش اشاره کرده است. از جمله در نامه دهم بیان داشته‌اند: «فَأَنَا أَبُو حَسَنٍ... من ابوالحسن هستم، قاتل جد و برادر و دایی تو در روز بدر، و بر مغز آنها کوبیدم و همان شمشیر اکنون با من است و با همان قلب (و همان جرأت و شهامت) با دشمنم روبه رو می‌شوم من نه بدعتی در دین گذاشته‌ام نه پیامبر جدیدی انتخاب کرده‌ام؛ من بر همان طریقی هستم که با میل خود ترکش کردید». (نهج‌البلاغه / نامه ۱۰) در همین نامه، عبارت «وَ ذَلِكَ السَّيْفُ مَعِيَ» اشاره به ثبات قوای نظامی، «بِذَلِكَ الْقَلْبِ الَّذِي عَدُوِّي» اشاره به ثبات انگیزه (در مبارزه علیه باطل) و عبارت «مَا اسْتَبَدْتُ دِينًا وَ لَأَسْتَحْدُثُ نَبِيًّا وَ إِيَّيَ لَعَلِّي الْمُنْهَاجَ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ» اشاره به ثبات در مسیر معنوی و عقیدتی امام است.

همچنین در نامه ۶۴، امام این نکته مهم را دیگر بار متذکر شده و فرمودند: «وَ عِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي ...» و (بدان) همان شمشیری که با آن بر پیکر جد و دایی و برادرت در یک میدان نبرد (جنگ بدر) زدم هنوز نزد من است». (نهج‌البلاغه / نامه ۶۴)

جدول ۷: فراوانی اصل شخصیت پایدار

نمونه موضوع اصلی / فرعی	فراوانی	نامه
ثبات قوت و انگیزه نظامی	۲	۶۴ و ۱۰
ثبات امام در مسیر معنوی	۱	۱۰

نتیجه

به دنبال بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر اخلاق محوری در حکومت علوی، با بررسی نامه‌های امام علی (ع) به معاویه، نتایج ذیل به دست آمد:

تحلیل کمی، فراوانی ۸۶ درصدی را برای گزاره‌های اخلاقی در این نامه‌ها نشان می‌دهد. به بیان دیگر، بیشترین حجم از جملاتی که امام در این نامه‌ها به کار برده‌اند، ماهیتی اخلاقی داشته و غایتی اخلاقی را دنبال می‌کند. این موضوع، حاکی از آن است که ایشان حتی در مواجهه با مخالفان و در رأس آنان معاویه، رویکردی اخلاقی اتخاذ نموده و از دریچه اخلاق مکاتبه می‌نمایند.

واکاوی و تحلیل محتوای این نامه‌ها، بیانگر به‌کارگیری اصول اخلاق حرفه‌ای در مدیریت، توسط امام است که از این میان، دو اصل پاسخگویی و هوشمندی، هر کدام با ۲۵٪ بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. یقین کامل، ضابطه‌مندی، مصلحت‌سنجی، و ثبات شخصیت به ترتیب از دیگر این اصول است.

برایند تحلیل کیفی گزاره‌های اخلاقی در این نامه‌ها، ارائه تصویری از یک حکومت جامع و دارای سیستم ضابطه‌مند، پیش‌بینی‌پذیر و اخلاق‌محور است که حتی در مواجهه با عنودترین مخالفان نظیر معاویه، از اصول اخلاقی و مدیریتی خویش تخطی نمی‌کند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، ۱۳۸۷ ق، شرح نهج‌البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۳. ابن‌عساکر، علی بن حسن، ۱۳۹۸ ق، ترجمة الامام علی بن ابی‌طالب علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق، بیروت، المحمودی.

۴. از کیا، مصطفی، ۱۳۸۲، *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران، کیهان.
۵. باردن، لورنس، ۱۳۷۵، *تحلیل محتوا*، مترجم: ملیحه آشتیانی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. ترکشوند، احسان، ۱۳۹۰، «مفاهیم اخلاقی و منشأ پیدایش آنها با رویکرد غایت‌گرایانه اخلاق از دیدگاه آیت الله مصباح»، *معرفت اخلاقی*، شماره چهارم، ص ۲۷-۴۸.
۷. جانی پور، محمدرضا، ۱۳۹۶، «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، *رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث*، شماره ۹۸، ص ۲۹-۵۲.
۸. خیاط مقدم و همکاران، سعید، ۱۳۹۵، «مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در مدیریت»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، شماره ۱، ص ۱۲۷-۱۳۶.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۲، *رایت درایت: اخلاق مدیریتی در عهدنامه مالک اشتر*، تهران، دریا.
۱۰. ذاکری، سید مصطفی، ۱۳۹۴، *اخلاق مدیریت در نهج البلاغه*، بی‌جا، تحسین.
۱۱. سراج، محمد بن ابراهیم، ۱۳۷۶، *امام علی علیه السلام خورشید بی‌غروب*، تهران، مؤسسه انتشارات نبوی.
۱۲. شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۱، «تعیین هندسه مفهومی انواع ارزش»، *اخلاق و حیانی*، شماره ۲، ص ۱۰۵-۱۲۲.
۱۳. شریفی‌نیا، محمد حسین، ۱۳۸۰، «اصول سیاست علوی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۲۶، ص ۴-۱۲.
۱۴. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۰، «اخلاق حرفه‌ای در مدیریت علوی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۳۲ و ۳۳، ص ۶۳-۷۸.
۱۵. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۳، *اخلاق حرفه‌ای*، قم، مجنون.
۱۶. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۸، *اخلاق سازمانی*، تهران، سرآمد.
۱۷. فرمهبینی فراهانی، محسن و فاطمه اشرفی، ۱۳۹۳، «اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه»، *پژوهش‌نامه علوی*، شماره ۹، ص ۶۷-۸۶.
۱۸. فیروزان، توفیق، ۱۳۶۰، *روش تحلیل محتوا*، تهران، آگاه.
۱۹. قانندی و همکاران، محمدرضا، ۱۳۹۵، «روش تحلیل محتوا از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، شماره ۲۳، ص ۵۷-۸۲.
۲۰. کریپندورف، کلوس، ۱۳۷۸، *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، مترجم: هوشنگ نائینی، تهران، روش.

۲۱. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، ۱۳۸۱، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
۲۲. لولویی و همکاران، کیوان، ۱۳۹۲، «اخلاق علوی در پرتو الزامات روابط دیپلماتیک»، *تاریخ* (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات)، شماره ۳۰، ص ۹۷ - ۱۱۳.
۲۳. محمدی فر، غلامرضا، ۱۳۸۷، «نگاهی به کاربردهای روش تحلیل محتوا»، *پیام پژوهش*، شماره ۸۸، ص ۲۶ - ۳۱.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۱، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، اطلاعات.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق احمد حسین شریفی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۶. مطیع و همکاران، مهدی، ۱۳۹۴، «تبیین جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا»، *مطالعات فهم حدیث*، شماره ۱، ص ۹۹ - ۱۳۱.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، *نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان*، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب.
۲۸. مومنی راد و همکاران، اکبر، ۱۳۹۲، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، شماره ۴۱، ص ۱۸۷ - ۲۲۲.
۲۹. هولستی، ال. ار، ۱۳۷۳، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۰. الوانی، سید مهدی، ۱۳۸۳، «اخلاقیات و مدیریت به سوی نظام اخلاقیات یکپارچه در سازمان»، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، شماره ۴۱ - ۴۲، ص ۱ - ۱۲.
31. Berelson, B, 1971, *Content Analysis in communication Research*, New York, Hafner.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی